



روز جهانی منع خشونت علیه زنان

گزارشی از واحد حزب در شهر اشتوتگارت - آلمان

اطلاعیه وزارت کار به جای سنگ قبر

مصطفی اسدپور

اطلاعیه وزارت کار در سوم آذر ماه تعیین تکلیف دولت با معیشت مردم در مقابل کشتار بی امان بیماری کرونا است. اگر این مصوبه چیزی برای جبران معیشت در بر ندارد؛ اما میتواند سنگ قبر هزاران هزار قربانی دیگر باشد که چگونه کت بسته در حسرت نان، در حسرت سر پناه و دارو به کام ترس و تنهایی و مرگ سپرده شدند. این کشتار ویروس کرونا نیست، این مالیخولیای افسار گسیخته اسلامی سرمایه در ایران است که زندگی مردم زحمتکش را در منطق ارزان و خاموش به صلیب کشیده است. ... صفحه ۲



در هر ثانیه چند نفر...؟

به بهانه سالروز جهانی منع خشونت علیه زنان

فواد عبداللهی

بر اساس آمار رسمی سازمان ملل ۳۵ درصد زنان جهان در طول عمرشان تحت خشونت‌های جسمی، روانی و آزار جنسی قرار می‌گیرند؛ پژوهش‌های سازمان جهانی بهداشت به مناسبت سالروز جهانی منع خشونت بر علیه زنان هم پرده از یک واقعیت تلخ دیگری برمی‌دارد که «در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد آزار» قرار می‌گیرد.

اما این کل تصویر نیست بلکه تنها گوشه‌ای از واقعیت زحمت تبعیض و خشونت علیه زن در جهان معاصر را منعکس می‌کند. «آمارها و پژوهش‌های رسمی» سازمان ملل مربوط به جوامع غربی است که در آنها خشونت و تبعیض در حق زنان، سیستماتیک و رسمی و قانونی اعمال نمی‌شوند. اینها «تحقیقات» و آمارهایی هستند که فقط گوشه ناچیزی از آن بر بستر فاجعه‌ای هولناک به دادگاهها و سیستم حقوقی و قضایی در کشورهایی که تبعیض در حق زنان سیستماتیک نیست و زن‌ستیزی قانونی نیست، راه می‌یابند و ثبت می‌شوند.

بخشی از زنان در چنین جوامعی «شانس» این را دارند که بعد از وقوع فاجعه دستشان به نظام پر پیچ و خم دادگاهها و شکایات برسد. جوامعی که ستم بر زن در آنها هرچند قانونی نیست اما حکمت خود را از مناسبات «مردسالار» نهادینه در طبقه حاکم می‌گیرد. مناسباتی که به صورت غیررسمی بخش درهم‌تنیده فرهنگ طبقه حاکم در این جوامع است و به اشکال ظاهرا «نامرئی»، بازتولید می‌شوند. ... صفحه ۴

معرفی دبیر دفتر کردستان

اطلاعیه کمیته رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی)



عقربه‌ها به عقب برنمی‌گردند!

امان کفا

با اعلام ورود جان کری به کابینه بایدن، و اظهارات تعدادی از سناتورهای آمریکا، و همچنین اظهارات روحانی در مورد «آسانی رابطه ایران و آمریکا» از یکطرف و «غیر قابل اتکا» خواندن آمریکا توسط خامنه‌ای از طرف دیگر، بار دیگر برجام و بازگشت به توافقات این معاهده به سرتیتر جراید رسمی ایران تبدیل شد. روحانی علاوه بر این، از بایدن خواست که نه تنها سیاست اتخاذ شده توسط ترامپ را محکوم کند، بلکه خسارت‌های ناشی از خروج آمریکا از این توافق را به رسمیت شناخته و هزینه آنرا نیز پرداخت کند. هم‌زمان، با ولوله‌ای که در بازار برافراشته و تغییر قیمت ریال، بار دیگر سران حکومتی و پادوهایشان به تکاپو افتادند که: مردم در انتظار باشید، کمی بیشتر امروز و فردا کنید که چون ظاهرا آتش چراغ برجام روشن است و «گشایش اقتصادی» در راه است!

همین سطح از «ابراز نظر» و باز نگاه داشتن «دریچه امید» کافی بود تا روح تازه‌ای در جسم بی‌جان جناح‌های جمهوری اسلامی دمیده شود و یکبار دیگر، هر کدام در «نقد» دیگری به صدا درآمده و اعلام کنند که «صف» آنها «متفاوت» است. گویی، بسته الهی دیگری در دامن جمهوری اسلامی افتاده است تا باز هم بر طبل «اختلاف» و «اصلاح طلب و اصول‌گرا» بکوبند و به یمن آن بتوانند جرقه‌ای به بازار کساد «انتخاباتی» آبی بزنند! همه صحنه سازان حکومتی و «منتقدین درون حکومتی» با اتکا به آمارهای خودشان، به حرکت درآمدند. «دعواهای جنجالی» درون مجلس و سران نظام حول وضعیت وخیم اقتصادی مردم و «به داد مردم برسید» یکباره جای خود را به دستور رسیدگی به «مذاکره» و «شرایط مذاکره» بدل شد، کیلومترها صفر شد و هیاهوی «زمان برگشت به ۵ سال پیش» فرا رسیده به راه افتاد! بر خلاف، اپوزیسیون راست که بند ناف خود را به ترامپ، به تشدید تحریم‌ها و حتی سوری‌ای کردن ایران بسته بود و نابودی جامعه را بهای قابل قبولی برای «نجات ایران»، میدانند و با پایان عر و تیزهای ترامپ و ناکام ماندن «شکایت‌های قانونی»، او در «مهد دمکراسی»، هاج و واج شد، مردم ایران همراه با جنبش وسیعی از مردم دنیا، شکست ترامپ را نشانی از پایان یکدوره تهاجم راست افراطی دیده و آنرا جشن گرفتند و هم‌زمان آنرا دال بر پایان یافتن دوره بازی جمهوری اسلامی با برگ دشمنی ترامپ دانستند.

مردمی که مدت‌ها بود مهر باطلی بر ادعای جمهوری اسلامی و بهانه «تمامی مشکلات امروز مردم ایران ناشی از سیاست‌های ترامپ است» زده و سوت پایانی شامورتی بازی‌های امروز جمهوری اسلامی و بازی‌های درون جناحی آن را با اعتراضات وسیع خود، اعلام کرده بودند.

شکی نیست که دنیای امروز با پنج سال پیش قابل مقایسه نیست. نه آمریکا و رئیس‌جمهور آن، نه روحانی «معتدل» آن دوره، نه ماکرون تازه به ریاست جمهوری رسیده، و نه خاورمیانه پس از اعتراضات مردم عراق و لبنان، و ... قابل بازگشت به پنج سال قبل نیست. برخلاف علاقه و اصرار روحانی عقربه ساعتها به عقب برمی‌گردد! ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

عقربه ها به عقب...

مستقل از اینکه نام مذاکرات جدید چه باشد، تمام مولفه ها و عوامل این مذاکره متفاوت خواهد بود. اینکه مذاکرات جدید و معاهدات جدید به بهانه سلاح های هسته ای است یا تسلیحات موشکی ایران، اینکه هر طرف چه امتیازاتی میدهند و چه امتیازاتی میگیرند، اینکه اروپا امروز تا چه حد دوباره خود را با فشارهای امریکا تنظیم میکند، موانع و عوامل فشار در مذاکرات امروز همگی مهر وضعیت امروز، از وضعیت جمهوری اسلامی و موقعیت داخلی و منطقه ای او تا موقعیت قطبهای جهانی، رقابتها و بلوک بندی های امروز را بر خود خواهد داشت.

علاوه بر این، دنیای امروز، دنیای دست به گریبان پاندمی کرونا، دنیای دیگری است. مردم ایران نیز، همچون دیگر مردم دنیا، دولت ها و عدم توانایی و بی لیاقتی نظام حاکم و تناقضات آن با زندگی خود را در همین چند ماه اخیر با گوشت و پوست تجربه کرده اند. از این منظر، دیگر جنگ ها و تقابل ها و توافقات و معاهده های دیروز جایگاه گذشته خود را ندارند. در دنیایی که طبق آمار رسمی و روتوش شده، حدود یک و نیم میلیون نفر قربانی کرونا شده اند، در ایرانی که زندگی مردم توسط کل

اطلاعیه وزارت کار.

مطابق مصوبه منتشره از طرف دولت، ستاد ملی مدیریت کرونا و در راستای دستورات خامنه ای وعده داده میشود که: الف: ماهانه صد هزار تومان به اعضای یازده میلیون خانوار (شامل سی میلیون نفر) بصورت بلاعوض پرداخت شود.

ب: به هر خانوار یک میلیون تومان وام قرض الحسنه تعلق بگیرد. (اطلاعیه وزارت کار، سایت خبری ایلنا، سوم آذر ۱۳۹۹)

در اوج وقاحت و بیشرمی در سند تصریح شده است که مشمولین این مصوبه خانواده های فاقد کار و در عین حال محروم از بیمه بیکاری هستند. به این ترتیب هر خانواده پنج نفره مدت چهار ماه فرصت دارد با دریافت نیم میلیون تومان (پنج ضربدر صد هزار تومان) در ماه کپه مرگ خود را بگذارد!

بهرتر است عجالتا کلمات «بلاعوض» و «قرض الحسنه» را ندیده بگیریم. مساله مهم در این مصوبه در جای دیگر است، و آن اینکه تقاضا و پروسه پرداخت این کمک ها تماما از طریق پیامک و از طریق اینترنتی صورت میگیرد. در طی سه هفته رسیدگی آنلاین دست فرد متقاضی به هیچ، و مطلقا هیچ مرجعی بند نیست. یقه احوالناسی را نمیتوان گرفت. فرد دریافت کننده فقط يك شماره از انبوه شماره های دفتر کد ملی است. او اجازه مراجعه به دفتر اداره کار، اجازه پرس و جو، اعمال فشار و اجازه اظهار وجود ندارد. چرا؟ چون مستقل از سابقه کار و زندگی تاکنونی، او امروز فقط يك «مستحق»، يك «محروم» دسته بندی میشود.

قریب یکسال پس از هجوم کرونا و در بطن کشتار بی مهابای موج سوم آن وظیفه دولت در مقابل معیشت دهها میلیون مردم زحمتکش در یک رقم بیشمارانه خلاصه شده است، در زمانیکه چیزی جز وعده روی یک ورق پاره از آن هویدا نیست، دولت با حضور در بالکن برده نوازی سخیف خود باد در غیغب انداخته است که خبری از «حق» در میان نیست. این عنایت است، کمک بلاعوض است، «الحسنه» است.

ساده و سر راست، مصوبه وزارت کار گویای این است که سی میلیون از اعضای بیکار و تنگ دست و فرودست جامعه از کدام ملزومات زندگی رسماً محروم میگردند. با این پول سیاه نمیتوان شکم را سیر کرد تا چه برسد شیر کودک خردسال را فراهم آورد، با این پول نمیتوان کرایه خانه داد، تا چه برسد به لباس و مخارج بیمارستان.

این رقم معادل یک بیستم سطح حداقل معیشت، آنهم مطابق محاسبات مجلس است. این محاسبه دشمنانه و در استتقبال تباهی و خفت و نیستی است. با این رقم (گیریم که به همراه یارانه مسخره نقدی) هیچ موجودی حتی یک هفته جان سالم بدر نمیرد. این فرمان سراسیمگی بدببال نان، فرمان هجوم مردم به سمت زباله دانی ها است.

کارگران، مردم زحمتکش!

ایران در قرق پدیده صدقه و در عمق لجنزار فقر و فریب دست و پا میزند. کریدورهای سیاست رسمی، الیت فکری و رسانه ها تا تکایا و منبرهای خر-مرد-رندی الهی، جغجغه های صدقه و فقیر نوازی را در دست گرفته و غرق در فضولات خیر منشانه از فرط ثواب و منت در پوست خود نمیکنند. در تاریخ معاصر ایران طوق لعنت صدقه دقیقا پا پهای فرودستی، بر گردن طبقه کارگر سنگینی کرده است. زمانی مراحم ملوکانه در لباس سوسید و زمانی الطاف ملکوتی در لباس یارانه، سر فصل حمله به معیشت و ارزشها و شئونات انسانی کل جامعه عمل کرده است. ایران، ادبیات و فرهنگ و مناسبات حاکم بر جامعه را باید یکبار برای همیشه از غفونت صدقه پاک کرد. این جز با خشکاندن ریشه های بهره کشی از انسانها ممکن نیست. طبقات بالا و بخصوص در حکومت سرمایه برای تخفیف ریاکارانه مصائب و رنج توده مردم و رهایی از شر عصیان

این نظام و جمهوری اسلامی اش به این روشنی گروگان گرفته شده است، ادعای اینکه برجام، حتی در همان شکل گذشته آن، ایران را «بهشت برین» می کند، بیش از حد پوچ است. سناریوی «آشتی آمریکا-ایران» و فروش «بسته» رنگ باخته «گشایش» و فراخوان «صبر» و امید به رویای «بهبود اقتصادی» برای مردمی که فقر و فلاکت غیر قابل توصیف را به خود دیده، و در مقابل طی این مدت شاهد نه کاهش بلکه افزایش فساد مزمن و سرکوب بوده است، بمراتب بیهوده و پوچ است. دیمه ۹۶ و آبامه ۹۸ جواب روشن و قاطع مردم به این هیاهو و وعده های سرخرمن جمهوری اسلامی بود. کالای بنجل برجام و «بهبود اقتصادی» را نمیتوان دوباره به خورد جامعه ای داد که قبلا آنرا در زباله دان انداخته است.

برای میلیونها نفری که زیر فشار فقر و فلاکت و خفقان دیگر رمقی برای «صبر» و تحمل کردن ندارند، کماکان رفتن جمهوری اسلامی گام اول در سطح بهبود زندگی و رفاه و آزادی است. از اعماق این جامعه له شده زیر فشار فقر و کرونا و ویروس جمهوری اسلامی، فریاد جنبشی آزادیخواهانه و رادیکال برای خلاصی از این جهنم را میتوان شنید!

ستمکشان پیشقدم در امورات خیره بوده اند. در ایران صدقه نه بعنوان مکمل بلکه به کانال اصلی تامین معیشت و بیش از آن به ابزار مهم پایین کشیدن سطح معیشت جامعه تبدیل شده است؛ و موسسات خیریه توسط دولت و بنیادهای دولتی و وابسته به حکومت کفتارهایی هستند که یتیمان و مستمندان سر منشاء سود و مکتب و قدرت آنها را تشکیل میدهد. در ایران جنگ بر سر معیشت جدا از مبارزه مستقیم علیه دستگاه مخوف صدقه (و از جمله یارانه ها) نیست و اساسا مبارزه برای آزادی بجز از طریق مردمی آزاده و پرغرور از بر چیدن آفتابه و لگن منفور «صدقه پرور» نمیتواند پا بگیرد. نگاه کنید که جمهوری اسلامی و کل طبقه حاکم به یک بنگاه عظیم رتق و فتق «صدقه داری» تبدیل شده است. کشف و کشف یارانه های ناچیز و نشخوار بدم - ندم آنها سرگرمی کشدار دولت و مجلسی است که بسرعت یکی پس از دیگری دست مردم زحمتکش را از حقوق قانونی و از امکانات بودجه دولتی کوتاه میکند. نگاه کنید که چگونه دستمزدها به فقر سقوط کرده است، از بیمه بیکاری یک کاریکاتور ساخته اند، و هر روز دهها میلیون کارگر از دل بیغوله های سرد و فقر زده به سمت محیط های کار روان میشوند که در همدستی مستقیم مثلث شوم کارفرما، وزارت کار و دستگاه خانه کارگر؛ نه از بیمه خیری هست، نه اثری از امنیت محیط کار دیده میشود و نه کسی مکلف به پرداخت دستمزد است.

به جمعیت میلیونی عظیم «نیازمندان» نگاه کنید! در میان این جمعیت بیوه ها و فرزندان کارگرانی زندانی و اعدام شدگانی که در صف اعتراضات به دام افتادند؛ کارگرانی که از یک تیره بختی دردناک از کشتارگاه نا امنی کار هرگز جان سالم به در نبردند؛ بازنشستگانی که حاضر نیستند حسرت یک نفس راحت، یک دم آرامش و یک روز توام با غرور را به گور ببرند؛ موج میزند دهان صادر کنندگان این فرامین را باید گِل گرفت. تمام آن جامعه تشنه زندگی و تشنه آزادی است؛ دستمزدها، بیمه بیکاری - حقمان را میخواهیم! آفتابه لگن اسلامی سرمایه «قرض الحسنه» و صدقه را با خود عالی جنابان برای همیشه بگور بسپاریم.

روز جهانی منع خشونت علیه زنان

گزارشی از واحد حزب در شهر اشتوتگارت - آلمان

دیروز ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ برابر با ۵ آذر ۱۳۹۹، به فراخوان گروه زنان اشتوتگارت آلمان متشکل از سازمان های زنان کوراژ و دیگر احزاب رادیکال و چپ، آکسیون «روز جهانی منع خشونت علیه زنان» در میدان شلوس پلاتس (Schlossplatz) برگزار شد. حزب حکمتیست (خط رسمی) واحد اشتوتگارت نیز در این آکسیون شرکت داشت. مراسم با سخنرانی سازمان های مختلف شروع و سپس در خیابان های مرکز شهر راهپیمایی کردند. مطالبات و پلاکاردهای مختلف حاوی: «پایان دادن به خشونت های جنسی و جسمی، ممنوعیت خرید و فروش سکس، پرداخت حقوق برابر در ازای کار برابر، ممنوعیت ازدواج کودکان و اسیدپاشی و پایان دادن به هرگونه خشونت علیه زنان» بود.

مریم رضانی گیوی

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) - واحد اشتوتگارت

۲۵ نوامبر ۲۰۲۰

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

در هر چند ثانیه ...

واقعیت اینست که نود درصد از جمعیت زنان در جهان بویژه در جوامع خاورمیانه و آفریقا که بطور رسمی و قانونی از طرف دستگاه مذهب، دولت و قوانین و سیستم حقوقی آن محکوم به یک ستمکنشی رسمی شده‌اند در امار و تحقیقات سازمان ملل منعکس نشده‌اند.

ظاهراً این پاکسازی جنسی و ستمکنشی قانونی که میراث عصر بربریت و لکه ننگی بر سیمای جهان معاصر است، تحت عنوان «مقتضیات آفرینش زنان در این جوامع»، از قلم «پژوهشگران» و «محققان» حقوق بشری افتاده است!! در حالیکه نه تنها «در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد آزار قرار می‌گیرد» بلکه بسیار فراتر از این آمار، در هر ثانیه و در هر دم و بازدم میلیاردها انسان در جهان فقط و فقط به جرم اینکه تصادفاً مونث به دنیا آمده‌اند از شرق تا غرب مورد تعرض رسمی و غیر رسمی قرار می‌گیرند. نفس زن‌بودن در جهان امروز کفایت تا انواع و اقسام اجحافات، ارباب و محرومیت‌ها به طور «اتوماتیک» شامل حائاتان شود. از کشورهای مذهب‌زده و فقرزده که پاکسازی زنان، اسیدپاشی، اصول خانواده و سرویس‌دادن به مرد، کنترل و تهدید، اخاذی و گروکشی از زنان چه در محیط‌های خانوادگی و چه در سطح اجتماع، قانونی و سیستماتیک است تا جوامع پیشرفته که بصورت غیر رسمی و توسط مناسبات «مردسالارانه» طبقه‌حاکم اعمال می‌شود، خلصت تعرض به زنان در همه جا یکی است: زن‌بودن ملاک تمام این تعرضات و تبعیض‌هاست و ابعاد واقعی خشونت را نه در آمار رسمی که باید با همین ملاک سنجید. تفاوت تنها در اینجاست که تلفات زن‌ستیزی در جوامع غربی، کمتر و غیر رسمی است و در جوامع مذهب زده و فقرزده، بیشتر و قانونی است.

اما علت این زن‌ستیزی در جهان معاصر، نظام حاکم بر جهان امروز است. همان دست‌های نامرئی که زیر بغل این هیولای مهوع را گرفته‌اند و ریاکارانه تحت نام «فرهنگ و سنت و مذهب خودبخودی مردم» بازتولید می‌کنند. زن‌ستیزی بدون حمایت همه جانبه دولت، بدون پشتیبانی طبقه‌ای که برای حفظ اش کرور کرور پول خرج آن می‌کند، امکان ندارد سرپا بماند. پشت این میراث عهدحجری به یک قدرت مادی است و بدون چنین تکیه‌گاهی محال است یک روز سر پا بماند. سوخت زن‌ستیزی را از آفریقا تا آمریکا و خاورمیانه، از مناطق عقب‌مانده تا مدرن‌ترین پایتخت‌های جهان، منافع زمینی طبقه معینی یعنی بورژوازی و سرمایه‌داری معاصر تامین می‌کنند. نیاز بورژوازی به بردگی محض زنان در روند تولید اجتماعی، نیاز این طبقه به پایین‌نگاه‌داشتن سطح دستمزد و معیشت و رفاه طبقه کارگر با تکیه بر ایجاد شکاف جنسیتی در میان طبقه کارکن جامعه بقصد پرداخت دستمزد کمتر به زنان، اساس ماندگاری زن‌ستیزی در جهان امروز است. تنها با ایجاد چنین شکاف جنسیتی در صفوف طبقه کارگر است که کار مفت خانگی و پرورش رایگان نیروی کار برای فروش مداوم در بازار، به سهم زنان در نظام اجتماعی تولید کاپیتالیستی تبدیل شده است. این مکان و منزلت زن بر متن تولید اجتماعی در نظام سرمایه‌داری است: این اساس ماندگاری تبعیض جنسی در سراسر جهان و از جمله در اشکال کیفی آن یعنی آپارتاید جنسی در ایران است.

از این نقطه نظر، یکی از کارکردهای اساسی و دائمی دولت‌های بورژوازی چیزی جز حفظ شکاف و تبعیض جنسی در صفوف طبقه کارگر نیست؛ بیره نیست که این نظام به زنان بعنوان کارکنان حاشیه‌ای، کم‌توقع، توسری‌خور، قابل کنترل و کم‌ارزش نگاه می‌کند؛ زن و مرد را دو موجود با اختیارات و حقوق ویژه تعریف می‌کند، یکی را «مرد خانه» و ارباب و دیگری را «زن خانه» و خدمتکار تعریف کرده است: این یکی از سودآورترین راه‌هایی است که بورژوازی و دولت‌های آن در همه جا با تعرض به سطح دستمزد بخش کم‌ارزشت طبقه کارگر، به پیش می‌برند. طراحی کردن تصویر زن و مرد بعنوان دو رقیب در بازار کار، شکافی است که سرشار از سودآوری برای سرمایه است. هر زمان مقتضیات این «منطق سرمایه» ایجاد کند یا کار ارزان‌تر زن را مانند یک شمشیر داموکلس بر بالای سر کار ارزان مرد فرود می‌آورد یا به بهانه هزینه «بالای» مهدکودک‌ها و شیرخوارگاه‌ها در نگهداری از کودکان و «خرج» دوران بارداری، عملاً زنان را از کار اخراج می‌کند و مردان «کم‌خرج‌تر» را استخدام می‌کنند. درست همانگونه که سرمایه از شکاف ملی، قومی و مذهبی در صفوف طبقه کارگر، سود به جیب می‌زند به همان میزان هم از تقسیم جنسی طبقه کارگر به جنس مرد و زن، به «برتر» و «فردوست»، سود سرشاری می‌برد. این ریشه اصلی ستم‌کنشی زن در جهان سرمایه‌داری است. بنابراین، اساس نابرابری زن و مرد «عقب‌ماندگی توده‌های مردم» آنهم در قرن بیستم و یکم نیست بلکه حاکمیت سیستمی است که ریاکارانه از سرپاماندن زن‌ستیزی در

پوشش «سنن و فرهنگ عقبمانده مردم»، سود به جیب می‌زند. همین «توده‌های عقب‌مانده مردم» دو قرن پیش با انقلاب کبیر فرانسه حاکمیت مذهب و کلیسا را در قفس کردند. اینجاست که معلوم می‌شود که چه کسی از بایکوت حقیقت نفع می‌برد. چه کسی از حمایت دولت از مذهب، حجاب اجباری، ناموس‌پرستی و مردسالاری، از ممنوعیت آموزش رابطه جنسی و رایگان کردن وسائل جلوگیری از بارداری، مهدکودک‌ها، شیرخوارگاه‌ها و ... سود می‌برد.

به این اعتبار، به سادگی می‌توان مشت همه کسانی که حقیقت پشت ستمکنشی زن در جهان معاصر را پنهان می‌کنند، باز کرد. می‌توان نشان داد که میان عدالت‌خواهی سوسیالیستی طبقه ما با بورژوازی و «نخه‌های» قسطی آن که سهمی در ساختن جهنم زن‌ستیزی داشته‌اند و فریبکارانه وعده می‌دهند، به اندازه یک دره عمیق تفاوت هست. مبارزه برای برابری و پایان‌دادن به تبعیض و خشونت در حق زنان، امر جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است که در قطع شریان‌های اقتصادی و سیاسی نهاد مذهب، مردسالاری، خرافه و عقب‌ماندگی ذینفع است. در قطع دست دولت‌هایی ذینفع است که مذهب و مردسالاری را بر زندگی زن و مرد حاکم کرده‌اند و از شکاف در صفوف طبقه کارگر سود می‌برند. یک بند مهم از برنامه حزب ما یعنی «یک دنیای بهتر» به پیکار برای «برابری زن و مرد و ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت» پرداخته است. این برنامه را باید به دست هر برابری‌طلب و معترض به بی‌حقوقی زن، رساند.

یک دنیای بهتر، بخش دوم؛ رئوس اقدامات و مطالبات اصلاحی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

برابری زن و مرد،

ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی‌های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت‌های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکنشی زن و بی‌حقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش‌های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی‌الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت‌ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد. نفس ستمکنشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی‌حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام‌ها و جوامع منقرض شده و مذهب‌عمر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است.

نظامی که به تقسیم جنسی انسان‌ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه می‌نگرد، ایجاد انعطاف‌پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش‌های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور می‌سازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج‌کننده، برکات ستمکنشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتاً و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی‌نشیند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بفریبت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:

ادامه در صفحه بعد

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

hekmatist.com

معرفی دبیر دفتر کردستان

به دنبال درخواست رفیق مظفر محمدی مبنی بر کناره گیری از پست دبیری دفتر کردستان، جهت ادامه معالجات پزشکی، کمیته رهبری حزب رفیق محمد راستی را بعنوان دبیر دفتر کردستان تعیین کرد. کمیته رهبری از طرف همه رفقای حزبی برای رفیق مظفر محمدی آرزوی بهبودی هرچه سریعتر را دارد.

کمیته رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۰ نوامبر ۲۰۲۰

→ ۱- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۲- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره.

لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

۳- برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان «سرپرست خانواده» و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه. لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

۴- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در اداء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان. نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند. ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

۵- لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجاندن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمگشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

۶- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.

صدای آزادی، صدای برابری



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللہی